

بررسی افزوده‌ها در زبان فارسی: بر اساس رویکردهای نقشی و صوری*

آزیتا جعفری (دانشگاه تربیت مدرس)

چکیده: یکی از مقوله‌های مهم دستوری که بجاست درباره آن تحقیقی جدی و همه‌جانبه انجام پذیرد، مقوله افزوده است. افزوده یکی از عناصر ساختمانی بند محسوب می‌شود که می‌تواند به صورت عبارت حرف‌افزافه‌ای، گروه اسمی، قید و همچنین بندهای ساده ظاهر شود. موضوع افزوده بحثی است که هم نظریه‌های صورت‌گرا و مشخصاً برنامه کمینه‌گرا (Chomsky 1995; Haegeman 2006; Radford 2004) و هم نظریه‌های نقش‌گرا (همچون دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و مَیسیون 2004 Halliday & Matthiessen) به آن پرداخته‌اند. اما تحلیل صورت‌گرایان از افزوده یکسان نیست (مشخصاً گروهی از زبان‌شناسان افزوده‌ها را در جایگاه خواهر 'X' و ذیل 'X' و متمم را خواهر X و ذیل 'X' قرار می‌دهند و گروهی دیگر آنها را به‌منزله خواهر و افزوده‌شده به فرافکن پیشینه صورت‌بندی می‌کنند) و هم مصادیق افزوده در رویکرد نقش‌گرا در برابر صورت‌گرا همانند نیست (مشخصاً نقش‌گرایان تقسیم‌بندی بسیار مفصلی از افزوده‌ها پیشنهاد کرده‌اند). در کنار نظریه‌های صورت‌گرای یادشده، نظریه صورت‌گرای تعاملی (Ernest 2002) نیز وجود دارد که به تعامل میان اصول نحوی از یک سو و ویژگی‌های معنایی از سوی دیگر قائل است. در این دیدگاه، هم محدوده توزیعی وسیعی برای طبقات بزرگ افزوده و هم جزئیات درونی آنها، از طریق ترکیب ویژگی‌های معنایی

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نگارنده است.

واژگانی و قواعد ترکیبی شکل می‌گیرد. اصول نحوی مسئول بنا کردن محدوده‌های اولیه‌ای از جایگاه‌های ممکن برای افزوده‌ها در زبان هاست. این مقاله می‌کوشد توصیف و تحلیل افزوده‌های زبان فارسی را در چارچوب‌های مطرح ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: افزوده، افزودگی، فرانقش، زبان فارسی.

۱. مقدمه

با عنایت به جایگاه ارزشمند زبان فارسی، به‌عنوان زبان رسمی کشور، هرگونه پژوهش در آن قطعاً از ارزش و اهمیت ملی برخوردار است. یکی از مقوله‌های مهم دستوری که بجاست درباره آن تحقیقی جدی و همه‌جانبه انجام پذیرد، مقولهٔ افزوده^۱ است. افزوده یکی از عناصر ساختمانی بند^۲ محسوب می‌شود که می‌تواند به‌صورت عبارت حرف‌افزانه‌ای، گروه اسمی، قید و همچنین بندهای ساده ظاهر شود. بسیاری از دستورنویسان یا زبان‌شناسان افزوده را ادات نامیده‌اند، لیکن مواردی چون ادوات استفهام، ادوات نفی و غیره وجود دارد که همه آنها افزوده نیستند، لذا بهتر دانسته شده که واژهٔ افزوده به کار گرفته شود. مقولهٔ افزوده در فارسی امروز نقشی بسزا در بیان افکار و مفاهیم مورد نظر سخنگو دارد، اما این مقوله، علی‌رغم اهمیت و نقش فراوانش، آن‌چنان که باید مورد عنایت دستورنویسان سنتی و حتی زبان‌شناسان جدید قرار نگرفته است. موضوع افزوده بحثی است که هم نظریه‌های صورت‌گرا و هم نقش‌گرا به آن پرداخته‌اند، اما تحلیل صورت‌گرایان از افزوده یکسان نیست، بدین صورت که در این رویکرد در نمایش ساخت گروهی مقوله‌های نحوی و روابط ساختاری موجود بین آنها یک هسته و گاه یک متمم و گاه یک یا چند سازهٔ اختیاری وجود دارد که به آنها افزوده می‌گویند. گروهی از زبان‌شناسان افزوده‌ها را در جایگاه خواهر X' (فراکن میانه) و ذیل X' و متمم را خواهر X (هسته) و ذیل X' قرار می‌دهند (Chomsky 1995; Haegeman 2006; Radford 2004). گروهی دیگر افزوده را معادل افزودگی^۳ در نظر می‌گیرند (Haegeman & Gueron 1999; Haegeman 2006) و گروهی هم در ابتدا آنها را افزوده شده

1. adjunct

2. clause

3. adjunction

به فرافکن میانه و در نهایت آن را به منزله خواهر و افزوده شده به فرافکن بیشینه صورت‌بندی می‌کنند (Radford 2004). تمامی این نظریه‌ها، صورت‌گرای محض^۴ هستند. وجه اشتراک همه این نظریه‌ها در این حقیقت نهفته است که دستور زبان یا نحو، به عنوان بخش زایا و بنیادین زبان، اساس تحلیل زبانی قرار می‌گیرد و تحلیل‌های صوری-نحوی وسیله‌ای جهت شناخت و یافتن منشأ و ماهیت ذهنی واحدهای زبانی در نظر گرفته می‌شود. در این نظریه‌ها، معنا نقش خاصی ندارد. در کنار نظریه‌های صورت‌گرای یادشده، نظریه صورت‌گرای تعاملی^۵ نیز وجود دارد که به تعامل میان اصول نحوی از یک سو، و ویژگی‌های معنایی از سوی دیگر قائل است. در این دیدگاه، هم سازه‌ها و هم جزئیات درونی آنها از طریق ترکیب ویژگی‌های معنایی و ازگانی و قواعد ترکیبی شکل می‌گیرد (ERNST 2002). هلیدی و متیسون (Halliday & MATTHIENSEN 2004) بر این باورند که زبان، نظامی از معناست و مهم‌ترین ساخت برای انتقال و بررسی معنا را بند معرفی می‌کنند. آنان معتقدند سه نوع معنای متمایز در هر بند وجود دارد که برگرفته از سه نوع فرانش^۶ زبانی متفاوت‌اند. در این رویکرد، افزوده‌ها در هر سه سطح معنایی مطرح می‌شوند و تقسیم‌بندی بسیار مفصلی از افزوده‌ها پیشنهاد شده است که در قسمت ملاحظات نظری بررسی خواهد شد.

۲. مروری مختصر بر آثار پیشین

در باب افزوده، تحقیقاتی در زبان انگلیسی صورت پذیرفته است که از آن میان می‌توان به چامسکی (Chomsky 1995)، ردفورد (Radford 1997, 2004)، وِکِر و هگمن (Weker & HAEGEMAN 1989)، هگمن (HAEGEMAN 1994, 2006)، هگمن و گورون (HAEGEMAN & GLERON 1999)، فاست (FAWCETT 2000)، بوورز (Bowers 2001)، ارنست (ERNST 2002)، هلیدی (Halliday 1994) و هلیدی و متیسون (Halliday & MATTHIENSEN 2004) اشاره نمود. در زبان فارسی هم تعدادی از زبان‌شناسان و دستورنویسان به این موضوع علاقه نشان داده‌اند، اما تاکنون تحقیق جامع و منفردی راجع به بحث افزوده، به ویژه مقایسه‌ای بین رویکرد صورت‌گرا و نقش‌گرا در

4. strict formalism

5. interactional formalism

6. metafunction

زبان فارسی انجام نشده است. از جمله مهم‌ترین کسانی که به بررسی این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به باطنی (۱۳۷۲)، غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴)، ماهوتیان (۱۳۷۸)، زندی‌مقدم (۱۳۷۸)، راسخ مهند (۱۳۸۲)، طیب‌زاده (۱۳۸۳)، مشکوة‌الدینی (۱۳۸۴) و رحیمیان (۱۳۸۴) اشاره کرد. از این میان چند پژوهش بیشتر به این مهم اختصاص یافته که تعداد آنها بسیار اندک است، از جمله: غلامعلی‌زاده (۱۳۷۲)، شایق (1998) (Shayeghi)، آهنگر (۱۳۷۹) و شمس‌زاده (۱۳۸۳). رحیمیان در مقاله خود ادات را از دو جنبه صوری و معنایی بررسی کرده است. وی از نظر نحوی فقط مشخص کرده که چه گروه‌هایی از ابزار صوری برای بیان ادات استفاده می‌کنند، ولی جایگاه این گروه‌ها، نحوه توزیع آنها و جهت اتصال و یا افزودگی آنها را مشخص نکرده است؛ بدین معنی که وی ادات را از چارچوب صوری و نحوی خاصی بررسی نکرده است. به طور کلی، به رغم وجود نکات فنی و آموزنده درباره افزوده در برخی از این آثار، هنوز نکات ناگفته در این باب فراوان است.

۳. مباحث نظری

شالوده نظری مقاله حاضر شامل دو قسمت است: رویکرد نقش‌گرای هلیدی و متیسون (Halliday & Matthiessen 2004) و دیگری رویکرد صورت‌گرا که خود متشکل از دو رویکرد صورت‌گرای محض (برنامه کمینه‌گرای ردفورد (Radford 2004) و هگمن (Haeqeman 2006) و رویکرد صورت‌گرای تعاملی (Ernst 2002) است.

۳-۱ رویکرد نقش‌گرا

دستور نقش‌گرا اساساً یک دستور طبیعی است؛ بدین معنی که هر آنچه در آن وجود دارد، با اشاره به چگونگی کاربرد زبان توصیف می‌شود. زبان در این دستور به عنوان نظامی از معانی تلقی می‌شود که به همراه خود صورت‌هایی را دربردارد و معانی از طریق این صورت‌ها تبلور می‌یابند. هلیدی و متیسون (Halliday & Matthiessen 2004) گونه‌ای از دستور نقش‌گرا به نام زبان‌شناسی نظام‌مند^۷ را ارائه داده‌اند. آنها مهم‌ترین سازه مورد

مطالعه در این دستور را بند معرفی می‌کنند و معتقدند که بند واحدی است که در آن سه نوع معنای مختلف منعکس است. هریک از این معانی فرائقش خوانده می‌شود.

۱. فرائقش تجربی^۸ که منعکس‌کننده تجربه سخنگویان از جهان بیرون و درون است.
۲. فرائقش بینافردی^۹ که ناظر است بر چگونگی برقراری، حفظ و تنظیم رابطه میان افراد؛ به بیان دیگر، نسبت اشخاص شرکت‌کننده در کنش ارتباطی، نوع و رابطه آنها با یکدیگر، نقش آنها در کنش ارتباطی و دیدگاهشان نسبت به این کنش، در معنای بینافردی تجلی می‌یابد.

۳. فرائقش متنی^{۱۰} که از نقش بند در تشکیل متن سخن می‌گوید.

۳-۱-۱ انواع فرائقش

۳-۱-۱-۱ فرائقش متنی

در این فرائقش، به بند به عنوان واحد سازنده متن نگریسته می‌شود. این فرائقش حاوی دو نقش است: آغازگر^{۱۱} و پایان‌بخش^{۱۲}. آغازگر، موضوع و مسئله اصلی پیام است و پیام هرچه باشد درباره آن است. در این الگو گوینده آغازگر را به عنوان نقطه عزیمت خود انتخاب می‌کند. پایان‌بخش، هر آن چیزی است که پس از آغازگر می‌آید.

آغازگر نخستین سازه است، به شرط اینکه یکی از سه عنصر ذیل باشد:

۱. مشارک (موضوع‌های فعل)؛ ۲. فرایند؛ ۳. افزوده.

افزوده عنصری است که امکان فاعل شدن را ندارد و به طور مشخص به صورت یک گروه قیدی یا عبارت حرف اضافه‌ای ظاهر می‌شود. در جملات خبری اگر آغازگر و فاعل بر همدیگر منطبق شوند آغازگر را بی‌نشان می‌گویند. به عنوان مثال:

1. The Duck gave the teapot to my aunt.

پایان‌بخش فاعل آغازگر

در مواردی، آغازگر بر فاعل منطبق نیست که در این صورت نشان‌دار می‌شود. معمول‌ترین نوع آغازگرهای نشان‌دار از نوع گروه‌های قیدی مثل **Merrily** یا از نوع

8. experiential metafunction 9. interpersonal metafunction 10. textual metafunction

11. Theme

12. Rheme

عبارت حرف‌افزافه‌ای همچون **On Sunday night** هستند که به صورت افزوده در جمله ظاهر می‌شوند (Ibid: 64-68).

2. Merrily, we roll along.

3. On Sunday night, I lost my wife.

۲-۱-۳-۱ فرانشی بینافرادی

در این نوع معنا، محتوای یک بند به دو عنصر وجه^{۱۳} و مانده^{۱۴} تقسیم می‌شود. وجه آن بخش از بند است که از دو قسمت اصلی تشکیل شده است:

۱. فاعل که یک گروه اسمی است.

۲. عنصر زمان‌دار^{۱۵} که بخشی از گروه فعلی است و بیانگر زمان و وجه است.

عنصر بعدی در سازمان‌بندی نقش‌ها در معنای بینافرادی مانده است که خود از سه عنصر نقشی مختلف تشکیل شده است: الف) محمول^{۱۶}؛ ب) متمم؛ ج) افزوده. محمول در تمام بندها به وسیله گروه فعلی تحقق می‌یابد. در مثال زیر، آن بخشی که داخل کمانک قرار دارد، محمول است.

4. was shining (shining)

متمم آن قسمت از مانده است که فاعل نیست ولی توانایی فاعل شدن را دارد و معمولاً به صورت یک گروه اسمی ظاهر می‌شود:

5. The Duke gave my aunt that teapot.

افزوده عنصری از مانده است که توانایی فاعل شدن را ندارد و به طور مشخص به صورت یک گروه قیدی یا عبارت حرف‌افزافه‌ای ظاهر می‌شود.

۳-۱-۳-۲ فرانشی تجربی

این فرانشی به نحوه مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی حوادث و وقایع در جهان بیرون و جهان درون می‌پردازد. این جنبه معنایی شامل سه نقش کلان است: فرایند، مشارک و عنصر حاشیه‌ای. این نقش‌ها تجربه ما را در مورد آنچه در حال وقوع است مقوله‌بندی می‌کند. به عنوان مثال، اگر چیزی در بالای سر ما در حال حرکت باشد این تجربه

13. Mood

14. Residue

15. Finite

16. Predicator

به صورت بند ذیل مطرح می‌شود:

6. Birds are flying in the sky.

تجربه ما در اینجا شامل فرایند **are flying**، مشارک **birds** و عنصر حاشیه‌ای **in the sky** است. در این تعبیر از آنچه در حال رخ دادن است ما یک کنش را مشاهده می‌کنیم و لذا یک کنش‌گر داریم و نیز مکانی که این کنش در آن انجام می‌شود. هرکدام از این بخش‌ها به وسیله نوع مشخصی از مقوله‌ها در دستور زبان بیان می‌شوند، مثلاً فرایند توسط گروه‌های فعلی، مشارکان توسط گروه‌های اسمی و افزوده‌ها توسط قیدها یا عبارات‌های حرف‌افزافه‌ای. به این ترتیب مفهوم‌های فرایند، مشارک، عنصر حاشیه‌ای مقوله‌های معنایی هستند (Ibid: 168-171).

۲-۱-۳ انواع افزوده

۱-۲-۳ افزوده ربطی^{۱۷}

در فرانش متنی، افزوده‌هایی مطرح‌اند که بین دو بند یا دو جمله پیوند منطقی برقرار می‌کنند و اصطلاحاً به آنها افزوده ربطی گفته می‌شود، مانند **although, but, however**. جایگاه بی‌نشان این افزوده‌ها در ابتدای بند و یا بعد از آغازگر است. افزوده‌های ربطی به سه طبقه اصلی تقسیم می‌شود که هرکدام دارای زیرطبقاتی هستند که به تفصیل، به کمک شواهد فارسی، آنها را معرفی خواهیم کرد.

۲-۱-۳ افزوده وجه^{۱۸}

افزوده‌هایی که نقش بینافردی دارند در این فرانش مطرح می‌شوند. این افزوده‌ها دو نوع‌اند:

۱. افزوده‌های وجهی^{۱۹} که مفاهیمی چون احتمال، اجبار، تمایل، عادت، شدت و زمان را بیان می‌کنند. جایگاه این افزوده‌ها میان فاعل و محمول است.

7. She probably hasn't arrived.

۲. افزوده‌های اظهاری^{۲۰} که قضاوت‌گوینده را در مورد کل گزاره بیان می‌کنند.

8. Unfortunately, however, he can't usually hear clearly on the telephone.

17. conjunctive

18. mood

19. modal adjunct

20. comment adjunct

۳-۲-۳-۱ افزوده حاشیه‌ای^{۲۱}

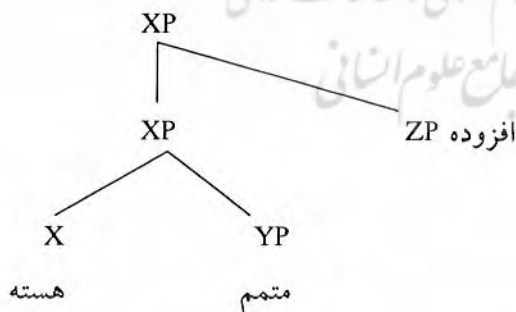
افزوده‌های حاشیه‌ای اطلاعاتی در مورد زمان، مکان، وسیله و نحوه رخداد رویداد به دست می‌دهند.

۳-۲-۲ رویکرد صورت‌گرا

۳-۲-۱-۱ رویکرد صورت‌گرای محض

منظور از رویکرد صورت‌گرای محض، رویکردی است که در آن سطح نحو، سطحی مستقل و خودمختار در دستور زبان در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، معنا هیچ نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد. تحلیل و توصیف گروه‌های ساختاری فقط از طریق صورت زبان، نمایش ساخت گروه‌های نحوی و روابط ساختاری میان آنها صورت می‌پذیرد. در این بخش به بررسی یک دیدگاه صورت‌گرای محض خواهیم پرداخت.

نظر هگمن (HAEGEMAN 2006) مبتنی بر چارچوب کمینه‌گرایی است. وی معتقد است سازه‌هایی اختیاری در جمله وجود دارد، مثل گروه‌های حرف‌افزافه‌ای، گروه‌های قیدی و برخی گروه‌های اسمی که از طریق فعل‌گزینش نمی‌شوند و آن را در مقابل متمم که سازه‌ای اجباری در جمله محسوب می‌شود و از طریق فعل‌گزینش می‌شود، قرار می‌دهد. بازنمایی ذیل، صورتی کلی را از نحوه قرارگیری متمم و افزوده نشان می‌دهد (Ibid: 95-97):



۲-۲-۳ رویکرد صورت‌گرای تعاملی

ارنست (ERNSI) در سال ۲۰۰۲ کتابی را تحت عنوان نحو افزوده به رشته تحریر درآورد. اهداف اصلی این کتاب به شرح ذیل است: ۱. بناکردن اصول دستوری که بتواند جایگاه پایه‌ای را برای تمامی افزوده‌های قیدی پیش‌بینی نماید؛ ۲. نشان دادن تعامل میان معناشناسی و نحو و مشخص کردن ماهیت این تعامل؛ ۳. ارائه نظریه‌ای محدود و کلی از مجوزدهی افزوده (ERNSI 2002: 6). وی در باب طبقه‌بندی افزوده‌های قیدی معتقد است اجماعی در نحو صورتی جدید دیده می‌شود که مهم‌ترین عامل توزیعی را معنا معرفی می‌نماید. وی ادعا می‌کند که مؤلفه‌های نحوی همگانی کمی نیز وجود دارند که در رابطه با توزیع این افزوده‌ها قرار می‌گیرند. در قسمت تحلیل داده‌های زبان فارسی به این مؤلفه‌ها اشاره خواهیم کرد. بر اساس نظر ارنست (ERNSI 2002) افزوده‌ها به دو گروه اصلی اسنادی^{۲۲} و نقشی^{۲۳} تقسیم می‌شوند:

الف) افزوده‌اسنادی شامل گروه‌های ذیل است:

گوینده‌محور^{۲۴}، فاعل‌محور^{۲۵}، برون‌مقایسه‌ای^{۲۶}، درون‌رویدادی^{۲۷}.

ب) افزوده‌نقشی به گروه‌های ذیل تقسیم می‌شود:

مرتبط با زمان^{۲۸}، کمی^{۲۹}، کانونی^{۳۰} / درجه‌ای - بندی^{۳۱}، نفی، رابطه بندی^{۳۲}.

وی معتقد است که عملکرد افزودگی در کل کاملاً آزادانه انجام می‌پذیرد؛ یعنی محدودیت نحوی کلی در افزوده شدن سازه‌ای نه در سطح مقوله و نه در سطح گروه، وجود ندارد. بدین ترتیب، افزودگی به موضوع‌ها و به هر دو ساختار میانۀ 'X و ساختار پیشینه XP امکان‌پذیر است.

۴. تحلیل داده‌ها

پیکره مورد بررسی این پژوهش برگرفته از سه رمان سووشون، اثر سیمین دانشور، شماکه غریبه نیستید، اثر هوشنگ مرادی کرمانی و عادت می‌کنیم اثر زویا پیرزاد است. پیکره مورد

22. predicational	23. functional	24. speaker - oriented
25. subject - oriented	26. exocomparative	27. event - internal
28. time - related	29. quantificational	30. focusing
31. clausal - degree	32. clausal relation	

نظر شامل بیش از هزار جمله است که به‌طور مساوی از هر منبع گرفته شده‌اند. تحلیل نمونه‌هایی از این داده‌ها در این بخش ارائه می‌شود. در ابتدا انواع افزوده‌های موجود در متون فوق، با توجه به دسته‌بندی‌های نقش‌گرایان و صورت‌گرایان، جداگانه بررسی خواهد شد.

۴-۱ تحلیل افزوده‌های زبان فارسی در رویکرد نقش‌گرا

در این قسمت انواع افزوده‌ها، بر اساس چارچوب نظری هلییدی و متیسون (Halliday & Matthiessen 2004) به‌همراه نمونه‌های فارسی معرفی می‌شود:

۴-۱-۱ انواع افزوده‌های ربطی

توضیحی ^{۳۴} : به بیان دیگر، به عبارت دیگر، به زبانی گویاتر	} بدلی ^{۳۳}	} تشریحی ^{۳۶}
نمونه‌سازی ^{۳۵} : برای نمونه، برای مثال، مانند		
اصلاحی ^{۳۷} : دست‌کم، حداقل، لاف‌ل، بهتر اینکه	} واضح‌سازی ^{۳۹}	
بازداری ^{۳۸} : ضمناً، اتفاقاً، درضمن		
اغماضی ^{۴۰} : درهرحال، گذشته از این، به‌هرحال		
جزئی‌سازی ^{۴۱} : مخصوصاً، به‌ویژه، خصوصاً		
بازگشتی ^{۴۲} : از آنچه گفتیم، همان‌گونه که ملاحظه کردیم		
ماحصلی ^{۴۳} : به‌طور خلاصه، مختصراً، به‌طور مختصر، جان‌کلام		
تصدیقی ^{۴۴} : واقعاً، درواقع، حقیقتاً، به دور از تصور		

نمودار ۱: تقسیم‌بندی افزوده تشریحی

33. appositive

36. elaborating

39. clarifying adjunct

42. resumptive

34. expository

37. corrective

40. dismissive

43. summatives

35. exemplifying

38. distractive

41. particularizing

44. verifactives

مثبت ^{۴۶} : و، همچنین، به علاوه، هم... و هم منفی ^{۴۷} : نه، نه... و نه...، اما نه	} افزایشی ^{۴۵}	} گسترشی ^{۴۸}
تباینی ^{۴۹} : اما، ولی، هنوز، از سوی دیگر، با تمام اینها		
جایگزینی ^{۵۰} : برعکس، در عوض، به جای تفریقی ^{۵۲} : غیراز، مگر، سواى، الا، به جز تناوبی ^{۵۳} : به ترتیب، یا، دیگر	} تغییری ^{۵۱}	}

نمودار ۲: تقسیم‌بندی افزوده گسترشی



45. additive

48. extending

51. varying

46. positive

49. adversative

52. subtractive

47. negative

50. replacive

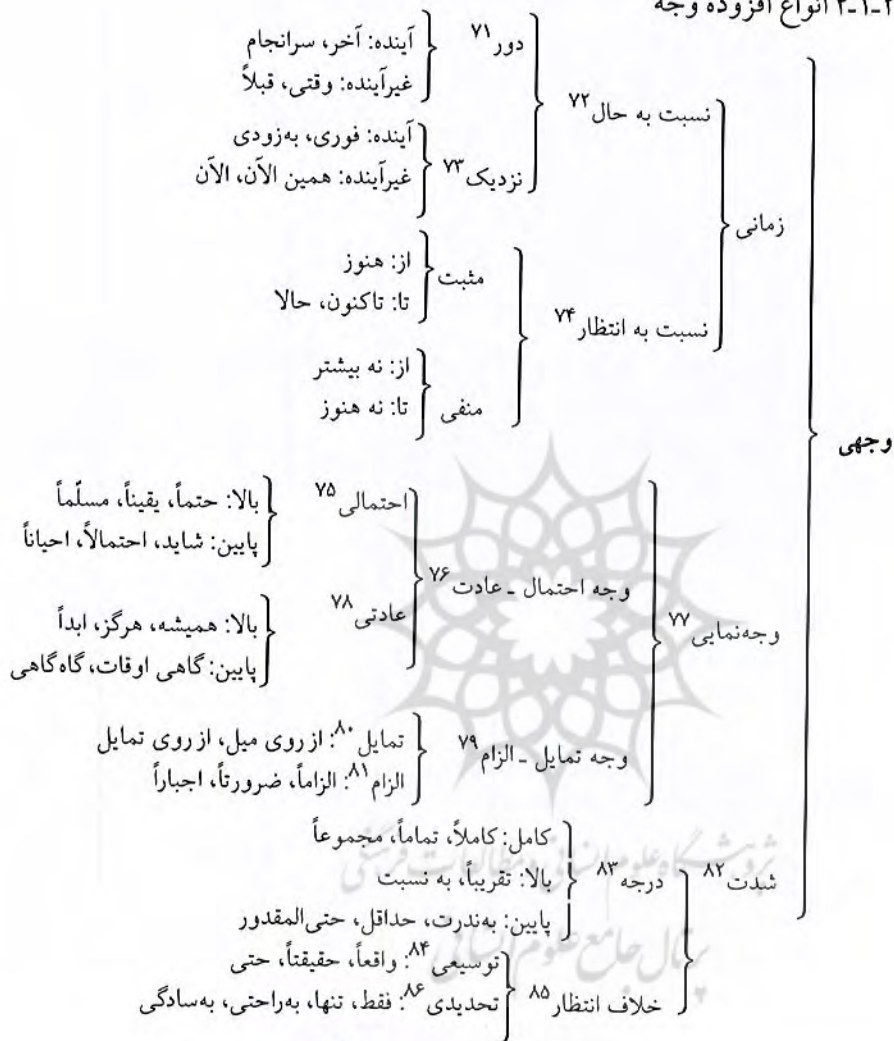
53. alternative

<p>مثبت: اینجا، آنجا، در این رابطه منفی: جای دیگر، در سایر موارد مقایسه‌ای^{۵۶}: مثل، شبیه، همچنین، به شیوه دیگر طریق^{۵۷}: با این مقدمه، به این شیوه</p>	<p>مضمون^{۵۴} شیوه^{۵۵}</p>
<p>پس آمدی^{۵۸}: بعداً، بعد، اول... بعد... سپس هم‌زمانی^{۵۹}: در همان وقت، همان لحظه، حالا پیش آمدی^{۶۰}: تا الآن، تا حالا، قبلاً غایتی^{۶۱}: بالاخره، عاقبت، سرانجام، در نتیجه</p>	<p>ساده فضایی - زمانی^{۶۲}</p>
<p>بلافاصله^{۶۳}: فوراً، بلافاصله، یکدفعه، ناگافل، یکهو منقطع^{۶۴}: به این زودی، پس از لحظه‌ای، پس از مدتی تکراری^{۶۵}: نوبت بعدی، به‌طور مکرر، بارها مشخص: روز بعد، همان روز، مخصوصاً، همان صبح دیرشی^{۶۷}: در طول زندگانی، تمام آن روز، در آن موقع پایانی^{۶۸}: تا آن موقع، تا آن زمان، تا الآن تدقیقی^{۶۹}: در این لحظه، همین حالا</p>	<p>مرکب تفصیلی^{۶۵}</p>
<p>عام: بنابراین، بدین ترتیب، پس، به این سبب نتیجه: در نتیجه، زیرا مشخص: علت: به دلیل اینکه، زیرا، چون قصد: غرض از، به قصد اینکه، نظر به اینکه</p>	<p>سببی سببی - شرطی</p>
<p>مثبت: به آن شرط، تحت شرایط، اگر... (پس) منفی: والا، مگر، در غیر این صورت پذیرشی^{۷۰}: مع‌هذا، اگرچه، هنوز</p>	<p>شرطی</p>

نمودار ۳: تقسیم‌بندی افزوده تفصیلی

54. matter	55. manner	56. comparative
57. means	58. following	59. simultaneous
60. preceding	61. conclusive	62. spatio - temporal
63. immediate	64. interrupted	65. enhancing
66. repetitive	67. durative	68. terminal
69. punctiliar	70. concessive	

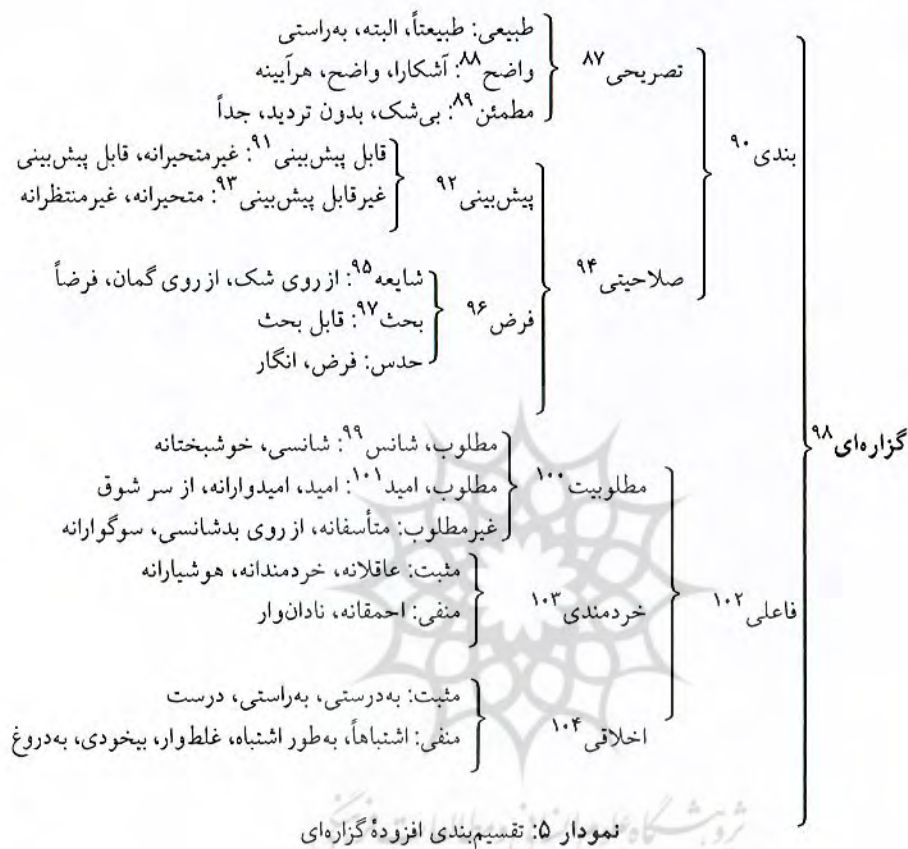
۲-۱-۴ انواع افزوده وجه



نمودار ۴: تقسیم‌بندی افزوده وجه

71. remote	72. relative to now	73. near
74. relative to expectation	75. probability	76. modalizations
77. modality	78. usuality	79. modulation
80. inclination	81. obligation	82. intensity
83. degree	84. exceeding	85. counter expectancy
86. limiting		

افزوده اظهاری: گزاره‌ای و نقش گفتار



87. asseverative

90. On whole

93. unpredictable

96. presumption

99. luck

102. On subject

88. obvious

91. predictable

94. qualification

97. argument₂

100. desirability

103. wisdom

89. sure

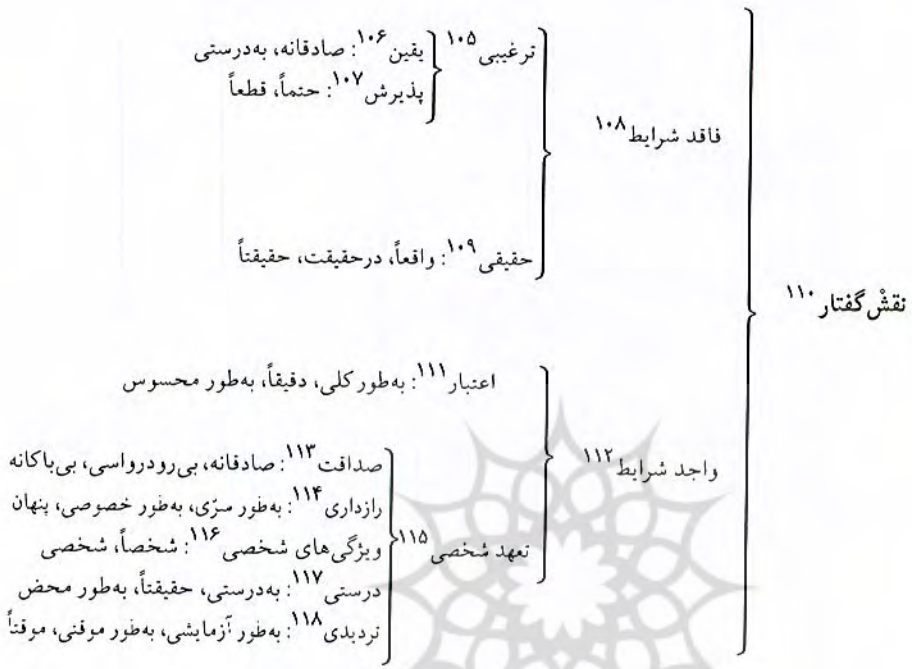
92. prediction

95. hearsay

98. proposition

101. hope

104. morality



نمودار ۶: تقسیم‌بندی افزوده نقش گفتار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

- | | | |
|------------------|--------------------------|------------------------|
| 105. persuasive | 106. assurance | 107. concession |
| 108. unqualified | 109. factual | 110. speech functional |
| 111. validity | 112. qualified | 113. honesty |
| 114. secrecy | 115. personal engagement | 116. individuality |
| 117. accuracy | 118. hesitancy | |

۳-۱-۴ افزوده‌های حاشیه‌ای

مسافت: چهار کیلومتر، با طی مسافت	گستره ۱۱۹	تفصیلی
دیرش ۱۲۰: دو روز، فردا، به مدت زیاد		
بسامدی ۱۲۱: هر ده روز، دو بار، هر هفته	موقعیت ۱۲۲	
مکان: در خانه، از تهران، از این سو به آن سو		
زمان: از صبح تا شام، در سه‌شنبه، فردا	شیوه	
وسيله ۱۲۳: به وسیله، از طریق، با		
کیفیت ۱۲۴: تند، خوب، با حسرت، به راحتی		
مقایسه ۱۲۵: مانند، مثل، عین، شبیه، به مثابه	سبب ۱۲۶	
درجه: زیاد، کم، خیلی، این قدر، به این اندازه		
علت: در نتیجه، به علت، بر اثر، چرا	محتمل ۱۲۹	
قصد: به امید، به قصد، برای، به منظور		
به خاطر ۱۲۷: به واسطه، به خاطر، به سبب		
شرایط ۱۲۸: در موقعیت، در شرایط، در حادثه	گسترشی ← همراهی ۱۳۳	
پیش فرض ۱۳۰: در غیبت، در نبود		
پذیرش ۱۳۱: علی‌رغم، بدون در نظر گرفتن	تشریحی ← نقش ۱۳۴	
هم‌کنش ۱۳۲: با هم، با صدای، بدون		
افزایشی: و، نیز، به علاوه، هم، همچنین	مضمون ← فرافکنی	
در مقام ۱۳۵: در شکل، در حالت، در مقام، در پیرامون		
محصول ۱۳۶: به شکل، به صورت، به عنوان، به		
درباره، در رابطه، در باب، در خصوص	زاویه ۱۳۷	
منشأ ۱۳۸: بر طبق، با ارجاع به، با توجه به		
نقطه نظر ۱۳۹: به عقیده، از نقطه نظر		

نمودار ۷: تقسیم‌بندی افزوده‌های حاشیه‌ای

119. extent	120. duration	121. frequency
122. location	123. means ₂	124. quality
125. comparison	126. cause	127. behalf
128. condition	129. contingency	130. default
131. concession	132. comitative	133. accompanied
134. role	135. guise	136. product
137. angle	138. source	139. viewpoint

۴-۲ تجزیه و تحلیل افزوده‌ها بر اساس داده‌های زبان فارسی

در این بخش فقط نمونه‌هایی برای برخی از افزوده‌ها ارائه می‌شود، سپس در صورت لزوم برای هرکدام شرح مختصری ارائه خواهد شد.

۴-۲-۱ افزوده‌های ربطی

الف) افزوده تشریحی، بدلی، توضیحی

۹. قلمی با گیره طلایی زده بر جیب کوچک کنش، که یعنی باسواد است (مرادی کرمانی: ۲۲).

ب) افزوده تشریحی، واضح‌سازی، اصلاحی

۱۰. اقل کم هفده سال می‌شد که به شیراز آمده بود (دانشور: ۶).

در افزوده‌های تشریحی، واضح‌سازی عناصر با جزئیات بیشتری بیان می‌گردند، خلاصه و محدود می‌شوند و یا به صورت واضح‌تری بیان می‌گردند.

ج) افزوده گسترشی، افزایشی، مثبت

۱۱. عاشق عطر بود و کتاب و تفنگ (مرادی کرمانی: ۸).

د) افزوده گسترشی، تغییری، جایگزینی

۱۲. عوض تلفن کردن به شوهر سابق، از من می‌پرسی به زرجو تلفن کن (پیرزاد: ۱۵).

افزوده‌های گسترشی یا چیزی را به معنا می‌افزایند، یا به نوعی آن را تغییر می‌دهند و یا برخلاف آن چیزی را بیان می‌کنند.

ه) افزوده تفصیلی، شیوه، مقایسه‌ای

۱۳. دود سیاهی با یک منقل آتش که دود اسفند از آن بلند بود عین جن بوداده به اتاق آمد

(دانشور: ۸).

این افزوده پیوستگی را از طریق مقایسه بین عناصر و یا بندها مطرح می‌کند.

و) افزوده تفصیلی، فضایی-زمانی، ساده، پس‌آمدی

۱۴. اول نفس تازه کن، بعد (پیرزاد: ۱۱).

ز) افزوده تفصیلی، فضایی-زمانی، مرکب، منقطع

۱۵. بعد از عقدکنان جشن در باغ و در ایوان جلو عمارت شروع شد (دانشور: ۱۰).

افزوده‌های زمانی فوق انواع پیوستگی معنایی مختلف زمانی را ارائه داده، بند را در زمانی قرار می‌دهند که به بافت متنی پیشین مرتبط است. این افزوده‌ها به دو گروه ساده و

مرکب تقسیم می‌شوند. افزوده‌های مرکب ظرائف معنایی بیشتری را نسبت به افزوده ساده بیان می‌کنند.

(ح) افزوده تفصیلی، سببی - شرطی، سببی، مشخص، قصد

۱۶. دو تا از هم‌کلاسی‌ها در درس می‌خونند که دکتر بشن (مرادی کرمانی: ۱۵).

در بسیاری از بندها و یا متن‌ها، شکل سببی بسیار برجسته است. برخی عبارات سببی خیلی کلی و عام هستند و برخی دیگر به‌طور خاص به نتیجه، علت و قصد رویداد اشاره می‌کنند. در این موارد افزوده به‌صورت بند وابسته به بند اصلی متصل می‌شود.

۲-۲-۴ افزوده‌های وجه

(الف) افزوده وجهی، زمانی، نسبت به انتظار، مثبت

۱۷. افسرهای خارجی هنوز در اتاق بودند. آنها هم دست زدند (دانشور: ۹).

افزوده‌های وجهی، زمانی بیان‌کننده موقعیت زمانی رویدادند. در زبان فارسی، این افزوده‌ها می‌توانند علاوه بر جایگاه میان فاعل و محمول، در ابتدای بند نیز قرار بگیرند.

(ب) افزوده وجهی، وجه‌نمایی، وجه احتمال - عادت، احتمالی

۱۸. زری فکر کرد که حتماً سیم‌کشی چراغ‌های آب‌نما از زیر قالی است (دانشور: ۱۰).

افزوده‌های وجهی، وجه‌نمایی مفاهیمی چون احتمال، اجبار، تمایل و عادت را بیان می‌کنند. در زبان فارسی، بعضی قیود تحقق رخداد را مقید به شرط می‌کنند، مانند قیود شاید، احتمالاً، حتماً، همیشه و مانند آنها.

(ج) افزوده وجهی، شدت، درجه

۱۹. دو دختر جوان و دو مرد از پشت چهار میز بلند شدند ایستادند و تقریباً با هم گفتند

«صبح به خیر، خانم صارم» (پیرزاد: ۱۸).

افزوده‌های وجهی، شدت مفاهیمی چون میزان و درجه وقوع رویداد را بیان می‌کنند.

(د) افزوده اظهاری، گزاره‌ای، بندی، صلاحیتی، پیش‌بینی، غیر قابل پیش‌بینی

۲۰. دسته کلید را به او داد و خندید و گفت: عجب این وروجک‌ها مضحک‌اند (دانشور: ۱۸).

افزوده‌های اظهاری بندی قضاوت‌گوینده را در مورد کل گزاره نشان می‌دهند.

(ه) افزوده اظهاری، نقش‌گفتار، واجد شرایط، تعهد شخصی، درستی

۲۱. راستش از این کارش خیلی دلخور شدم (مرادی کرمانی: ۱۰).

افزوده‌های نقش‌گفتار زوایای دید هم‌گوینده و هم‌شنونده را نشان می‌دهند.

۲-۳-۴. افزوده‌های حاشیه‌ای

الف) افزوده تفصیلی، گستره، مسافت

۲۲. امروز صبح هم آیه از خانه تا دانشگاه یک بند نق زد (پیرزاد: ۱۱).

ب) افزوده تفصیلی، گستره، زمانی، بسامدی

۲۳. ننه‌بابا، برای هزارمین بار داستان عروسی پدر و مادرم را تعریف می‌کند (مرادی کرمانی:

۱۶).

افزوده تفصیلی، گستره شرح‌دهنده گستره تجلی فرایندها در فضا - زمان است. صورت سؤالی برای گستره مسافت در زبان فارسی چه مسافتی...؟ است. این افزوده به چهار شکل در جمله می‌آید: الف) مسافت در مفهوم کلی مثل: پنجاه کیلومتر؛ ب) نقطه شروع؛ پ) نقطه پایان؛ ت) نقطه شروع و پایان، مثل نمونه (۲۳). مفاهیم و روابط فوق درباره گستره زمانی نیز به کار می‌رود. صورت سؤالی برای گستره زمانی دیرش چه مدت...؟ و برای گستره زمانی بسامد چند بار...؟ و چند وقت به چند وقت...؟ است. جایگاه بی‌نشان آنها در زبان فارسی قبل از محمول است.

ج) افزوده تفصیلی، شیوه، وسیله

۲۴. خط روی نان با خشخاش پر شده بود (دانشور: ۵).

د) افزوده تفصیلی، شیوه، درجه

۲۵. مادرت خواستگار زیاد داشت چون پدرش مال‌ومثال داشت (مرادی کرمانی: ۱۷).

افزوده تفصیلی، شیوه و روشی را که در آن فرایندها تجلی می‌یابند، شرح می‌دهد.

ه) افزوده تفصیلی، سبب، علت

۲۶. اگر نشسته بودی و همان ایرلند فقیر و بیچاره‌ات را درست و راست کرده بودی، آزاد

کرده بودی، این همه قربانی برای مهاجرت نمی‌دادی (دانشور: ۱۴).

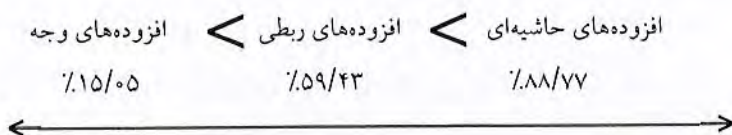
افزوده فوق نشان‌دهنده دلیل تحقق یک رویداد است.

و) افزوده گسترشی، همراهی، هم‌کنشی

۲۷. موقعی که می‌آمدند با خودشان چیزهایی را هم می‌آوردند (مرادی کرمانی: ۸).

داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که در هر سه متن، کاربرد افزوده حاشیه‌ای فراوان‌تر از

دو افزوده دیگر است. پس از آن، از افزودهٔ ربطی و در نهایت از افزودهٔ وجه بیشتر استفاده شده است. آمار مربوط به رخداد افزوده‌ها در نمودار ۸ آمده است.



نمودار ۸: توزیع افزوده‌ها در کل پیکرهٔ مورد بررسی

در میان زیربخش‌ها، بیشترین فراوانی متعلق به افزودهٔ ربطی، گسترشی، افزایشی، مثبت و سپس افزودهٔ حاشیه‌ای، گسترشی، همراهی، افزایشی و افزودهٔ حاشیه‌ای، تفصیلی، موقعیت و مکان است. در اینجا چند نکته شایان ذکر است. نخست اینکه موارد بسیاری از همپوشی در میان افزوده‌ها دیده می‌شود. برای مثال در زیرگروه افزودهٔ وجه، افزودهٔ اظهاری، گزاره‌ای، کل گزاره‌ای، تصریحی، مطمئن و افزودهٔ فرض، شایعه و افزودهٔ فرض، حدس و یا در میان افزوده‌های صداقت و درستی در افزودهٔ وجه این موارد به وضوح به چشم می‌خورد. در واقع، ارتباط معنایی بسیار نزدیک و تقسیم‌بندی ریز در نظریهٔ حاضر، گاه تشخیص را مشکل کرده است. دومین مورد اینکه برخی افزوده‌ها خیلی کلی در نظر گرفته شده‌اند، مثل افزودهٔ حاشیه‌ای، کیفیت که به موارد بسیاری نظیر حالت، شیوه، قلمرو و مانند آنها اشاره می‌کند، ولی همه در زمرهٔ افزودهٔ کیفیت مطرح شده‌اند. برای نمونه:

۲۸. من مادرم را عاشقانه دوست دارم. (حالت)

۲۹. شما می‌توانید با تلاش و کوشش به درجات بالای تحصیلی برسید. (شیوه)

۳۰. روابط ما از نظر سیاسی محدود شده است. (قلمرو)

۳۱. او به‌زیرکی رفتار می‌کند. (کیفیت)

سومین مورد اینکه به تمایز میان سازه‌های اختیاری و اجباری اشاره‌ای نشده است و همه را تحت عنوان افزوده معرفی کرده‌اند. در مواردی این افزوده‌ها می‌توانند حذف شوند، بدون اینکه مشکلی برای معنای جمله ایجاد شود، نظیر نمونهٔ (۲۸). در مواردی هم این حذف منجر به غیردستوری و یا مبهم شدن جمله می‌شود، نظیر نمونهٔ (۳۱). در

این نظریه، افزوده بر مبنای اینکه «عنصری است که امکان فاعل شدن را ندارد و معمولاً به صورت گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی و یا بندهای وابسته نمایان می‌گردد» تعریف می‌شود. در پیکره شاهد نمونه‌هایی از خلأ هستیم، اما نظریه به آنها قائل است. در اینجا فقط به دو نمونه اشاره می‌کنیم.

الف) افزوده وجه، اظهاری، گزاره‌ای، فاعلی، خردمندی، مثبت

۳۲. آرتین از روی عقل پیشنهاد احمد را پذیرفت.

این افزوده فاعل را در سیطره خود قرار می‌دهد.

ب) افزوده حاشیه‌ای، فرافکنی، زاویه، منشأ

۳۳. با توجه به مصرف غیرمجاز بنزین، دولت طرح سهمیه‌بندی بنزین را اجرا نمود.

در مواردی هم نمونه‌هایی در پیکره دیده شد که در نظریه به آن اشاره نشده و عنوانی برای آن در نظر گرفته نشده است، برای نمونه:

۳۴. یکی ده تا تخم مرغ توی دستمالی می‌گذاشت و می‌آورد (مرادی کرمانی: ۸).

۳۵. شوهر عمه به من دو قران عیدی می‌دهد (مرادی کرمانی: ۲۱).

نمونه‌های فوق تعداد و مقدار، یعنی کمیت را نشان می‌دهند که در تقسیم‌بندی هلیدی و متیسون (Halliday & Matthiessen 2004) به آن اشاره نشده است.

۴-۳ تحلیل افزوده‌های زبان فارسی در رویکرد صورت‌گرا

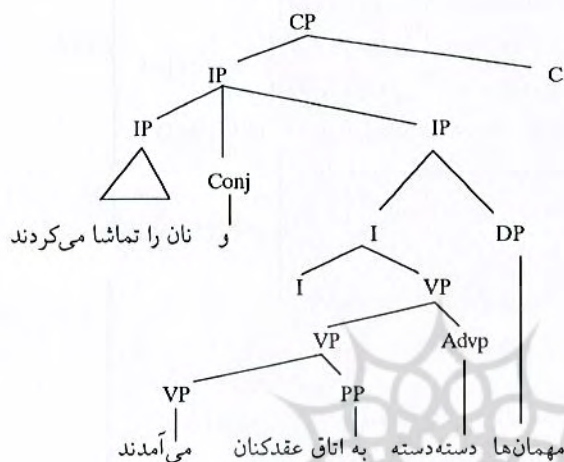
در این زیربخش، افزوده‌های زبان فارسی ابتدا بر اساس رویکرد صورت‌گرای محض و سپس بر اساس رویکرد صورت‌گرای تعاملی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۳-۱ تحلیل افزوده‌های زبان فارسی در رویکرد صورت‌گرای محض

بر اساس تحلیل هگمن (HAEQEMAN 2006) تمامی افزوده‌ها به صورت افزودگی به فرافکن‌های پیشینه (XP) متصل می‌شوند. نمودار درختی ذیل تحلیل وی را نشان می‌دهد.

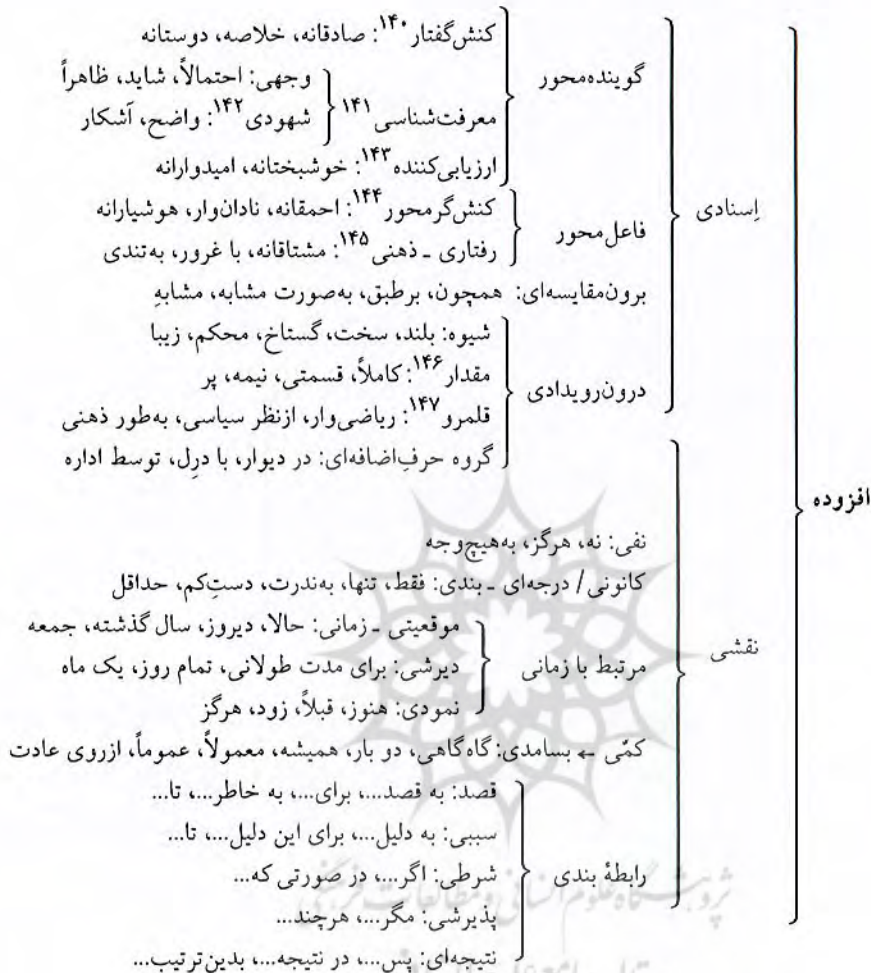
۳۶. مهمان‌ها دسته‌دسته به اتاق عقدکنان می‌آمدند و نان را تماشا می‌کردند (دانشور: ۵).

نمودار ۹



۲-۳-۴ تحلیل افزوده‌های زبان فارسی در رویکرد صورت‌گرای تعاملی
 در این بخش انواع افزوده بر اساس چارچوب ارنست (ERNST 2002) به همراه نمونه‌های
 فارسی معرفی می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۱۰: تقسیم‌بندی افزوده در دیدگاه ارنست (ERNST) همراه با نمونه‌های فارسی

140. speech act

141. epistemic

142. evidential

143. evaluative

144. agent - oriented

145. mental - attitude

146. measure

147. domain

۱-۲-۳-۴ افزوده‌ی اسنادی

(الف) افزوده‌ی اسنادی، گوینده‌محور، کنش‌گفتار

۳۷. راستش از این کارش خیلی دلخور بودم (مرادی کرمانی: ۱۰).

این نوع قیده‌ها دارای معنای پنهان بیان کردن هستند و معمولاً به گروه متمم‌نما (CP) افزوده می‌شوند و گاهی به گروه اسناد (PIP) متصل می‌گردند که در این صورت دارای خوانش بندی هستند. گروهی از این قیده‌ها ممکن است خوانش شیوه‌ای هم داشته باشند که در این صورت به گروه فعلی افزوده می‌شوند. این قیده‌ها هنگامی که با قیده‌های اسنادی دیگر همراه می‌شوند، قبل از تمامی قیده‌ها قرار می‌گیرند.

(ب) افزوده‌ی اسنادی، فاعل‌محور، رفتاری - ذهنی

۳۸. خان کاکا آهسته گفت: داداش ببخود لج می‌کنی (دانشور: ۱۶).

قیده‌های فاعل‌محور، عامل‌محور و رفتاری - ذهنی در خوانش شیوه‌ای به گروه فعلی افزوده می‌شوند.

(ج) افزوده‌ی اسنادی، درون‌رویدادی، شیوه

۳۹. خوب دارم پیش می‌روم یوسف (دانشور: ۱۳).

قیده‌های شیوه‌ای، افزوده‌شده به گروه فعلی و یا گروه اسنادند.

۱-۲-۳-۴ افزوده‌های نقشی

(الف) افزوده‌ی نقشی، کانونی / درجه‌ای - بندی

۴۰. البته حتماً تخفیف هم می‌گیریم (پیرزاد: ۱۸).

هر دو مورد فوق در زیرگروه افزوده‌ی نقشی، کانون قرار دارند که بیانگر وجود تأکید در جمله است. درواقع، نوعی نشانه‌کانونی شدگی محسوب می‌شود. افزوده‌های کانونی و درجه‌ای - بندی بسیار مشابه همدیگرند. فقط قیده‌های درجه‌ای - بندی رویداد را در میزانی از درجه‌بندی قرار می‌دهند. قیده‌های کانونی در سیطره‌ی خودشان برخی سازه‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهند.

(ب) افزوده‌ی نقشی، مرتبط با زمان، نمودی

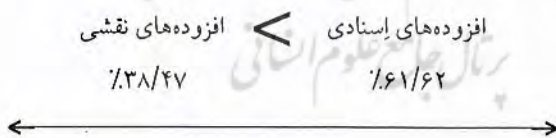
۴۱. انگار زود از مادرش جداش کرده بودند (مرادی کرمانی: ۱۰).

(ج) افزوده‌ی نقشی، کمی، بسامدی

۴۲. انگار همیشه یک قطره اشک ته چشم‌های یوسف نهفته بود (دانشور: ۱۲).

افزوده‌های نقشی، کمی نیز در سطح بسیار وسیعی وجود دارند و می‌توانند آزادانه در جایگاه‌های مختلف، با در نظر گرفتن تعبیر معنایی‌شان، قرار گیرند. این افزوده‌ها در جواب به سؤال چند دفعه...؟ و چند وقت به چند وقت...؟ به کار می‌روند. قیده‌های بسامدی دارای درجات بالا و پایین هستند، مثل همیشه (درجه بالا) و گاه‌گاهی (درجه پایین). جایگاه این قیده‌ها در زبان فارسی از ابتدای بند تا جایگاه قبل از فعل است.

شواهد موجود در مورد هریک از افزوده‌ها در دیدگاه حاضر نشان می‌دهد که در هر سه متن، کاربرد افزوده‌ی اسنادی فراوان‌تر از افزوده‌ی نقشی است. افزوده‌ی اسنادی و گروه حروف اضافه‌ای مشارک پربسامدترین افزوده در میان کل افزوده‌هاست که بسیار کلی است و خود می‌تواند به چند زیرگروه تقسیم شود. پس از آن، افزوده‌ی نقشی، مرتبط با زمان، موقعیتی - مکانی است. اگرچه تقسیم‌بندی افزوده از دیدگاه ارنست (ERNST) بسیار ریز نیست، دربرگیرنده تعداد نسبتاً وسیعی از افزوده است. افزوده‌ها در این دیدگاه به مراتب راحت‌تر از تقسیم‌بندی آنها در دیدگاه هلییدی و متیسون (Halliday & Matthiessen 2004) قابل درک و تشخیص‌اند، با وجود این، در تقسیم‌بندی ارنست (ERNST) نیز شاهد همپوشی هستیم؛ برای نمونه همپوشی میان افزوده‌ی نفی و افزوده‌ی نمودی و یا همپوشی‌ای که بین افزوده‌ی نفی و افزوده‌ی کانونی دیده می‌شود. نمودار (۱۱) بسامد رخداد افزوده‌های مورد بحث را در پیکره نشان می‌دهد.



نمودار ۱۱: توزیع افزوده‌ها در کل پیکره مورد بررسی

۵. نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از داده‌های تحقیق در زبان فارسی بر اساس ادعاهای رویکرد نقش‌گرا در موضوع افزوده نشان می‌دهد که در واقع ادعاهای محض معنایی که بر این باورند که

افزوده‌ها بدون هیچ محدودیت نحوی، در هر جایی که تعبیر شوند می‌توانند قرار گیرند، فاقد کفایت تجربی است. این نظریه به دلیل وجود تنوعات بینابانی قادر به توجیه عملکرد و نحوه توزیع افزوده‌ها نیست؛ بدین معنی که ادعاهای صرف معنایی نمی‌توانند تمایز عملکردها، محل و نحوه قرارگیری افزوده‌ها را در میان زبان‌های مختلف توجیه نمایند. در واقع، تحلیل‌های نقش‌گرایان به‌تنهایی قادر به توجیه موارد مطرح‌شده نیست. در دیدگاه صورت‌گرای محض، تحلیل و توصیف گروه‌های ساختاری از طریق صورت‌زبان، نمایش ساخت‌گروه‌های نحوی و روابط ساختاری میان آنها صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، صورت‌گرایان بر این باورند که اولاً معنای خود قید معین می‌کند که بایستی به کدام گروه افزوده شود. این توجیه نیاز به تعبیر معنایی برای تحلیل چگونگی عملکرد افزوده‌ها را به‌وضوح نشان می‌دهد. در واقع می‌توان گفت که در کنار تحلیل‌های صوری-نحوی، بایستی تحلیل‌های معنایی نیز در نظر گرفته شود. دیگر اینکه این گروه از صورت‌گرایان، برای توجیه تحلیل خود، به سازوکارهای اضافی دیگر مانند در نظر گرفتن گروه‌های نقشی اضافی و نظام حرکت متوسل می‌شوند که برخلاف اصل اقتصاد و کمینه‌گرایی است؛ به بیانی دیگر، نظریه این دسته از صورت‌گرایان به‌تنهایی قادر به توجیه موارد مطرح‌شده نیست، ولی در دیدگاه صورت‌گرای تعاملی، افزوده در هر جایی که بتواند تعبیر شود، حضور می‌یابد (دید معنایی). در عین حال، این نظریه از سازوکارهای نحوی کمی چون آرایش سازه‌ای، سیطره تعبیر، و پارامتر هسته نیز برای توجیه نحوه توزیع افزوده‌ها استفاده می‌کند. هدف اصلی ارنست (ERNST) تعامل میان تحلیل‌های معنایی و صوری-نحوی برای توجیه چگونگی عملکرد و نحوه توزیع افزوده‌هاست. در این زمینه می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه هرکدام از رویکردهای صورت‌گرا و نقش‌گرا به‌صورت جداگانه مبانی نظری، مفاهیم و راهکارهای مؤثری را در توصیف یک زبان ارائه می‌کنند، هیچ‌یک از نظریه‌های مطرح‌شده در بحث افزوده‌ها به‌تنهایی برای تبیین داده‌های زبان فارسی کارآمد نیست؛ پس یافتن حدی واقع‌گرایانه، و به بیانی دیگر، نظریه صورت‌گرای تعاملی ارنست، پذیرفتنی‌تر از نظریه‌های نقش‌گرای هلیدی و متیسون و صورت‌گرای محض درباره جایگاه و نحوه توزیع افزوده‌هاست.

منابع

- آهنگر، عباسعلی (۱۳۷۹)، ساخت جمله مرکب ناهم‌بایه در زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران؛
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۲ [۱۳۴۸])، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
- پیرزاد، زویا (۱۳۸۳)، عادت می‌کنیم، ج ۴، نشر مرکز، تهران؛
- جعفری، آریتا (۱۳۸۸)، توصیف و تحلیل افزوده در زبان فارسی معاصر: رویکرد نحوی و کلامی، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس؛
- دانشور، سیمین (۱۳۵۷)، سووشون، ج ۹، خوارزمی، تهران؛
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۲)، «قید جمله و قید فعل در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۸، ش ۱، ص: ۹۵-۱۰۰؛
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۴)، «تحلیل نحوی و معنایی ادات در زبان فارسی»، دستور، ج ۲، ص: ۱۴۲-۱۶۰؛
- زندى مقدم، زهرا (۱۳۷۸)، «قید، متمم، قیدواره»، نامه فرهنگستان، س ۴، ش ۲، ص: ۱۴۸-۱۷۲؛
- شمسی‌زاده، احمد (۱۳۸۳)، بررسی افزوده‌ها در گفتمان زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران؛
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۳)، «وابسته‌های فعل در زبان فارسی بر اساس نظریه وابستگی»، دستور، ج ۱، ص: ۱۹-۲۲؛
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۲)، فرایندهای حرکتی در زبان فارسی، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران؛
- (۱۳۷۴)، ساخت زبان فارسی، احیاء کتاب، تهران؛
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸)، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، نشر مرکز، تهران؛
- مرادی کرمانی، هوشنگ (۱۳۸۵)، شما که غریبه نیستید، ج ۵، معین، تهران؛
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، سمت، تهران؛
- BOWERS, J. (2001), "Predication", In M. Baltin & C. Collins (Eds.), *The handbook of contemporary syntactic theory*, Oxford: Blackwell: 299-333;
- (2002), "Transitivity", *Linguistic Inquiry*, No. 33: 183-224;
- Chomsky, N. (1995), *The Minimalist Program*, Cambridge, Mass: MIT Press;
- Chomsky, N. & H. Lasnik (1995), "The Theory of Principle and Parameters", In N. Chomsky (ed.), *The Minimalist Program*, Cambridge, Mass: MIT Press: 13-127;
- ERNST, T. (2002), *The syntax of adjuncts*, London: Cambridge University Press;
- FAWCEIT, R. P. (2000), *A Theory of Syntax for Systemic Functional Linguistics*, Amsterdam: John Benjamins;
- HAEGEMAN, L. (1994), *Introduction to Government and Binding Theory*, 2nd ed., Blackwell;
- (2006), *Thinking Syntactically: A Guide to Argumentation and Analysis*, UK: Blackwell;

- HAEGEMAN, L. & J. GUERON (1999), *English Grammar: A Generative Perspective*, Oxford: Blackwell;
- HALLIDAY, M. A. K. (1994), *An Introduction to Functional Grammar*, 2nd ed., London: Edward Arnold;
- HALLIDAY, M. A. K. & CH. MATTHEIEN (2004), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold;
- RADFORD, A. (1997), *Syntax: A Minimalist Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press;
- (2004), *Minimalist Syntax: Exploring the Structure of English*, Cambridge University Press;
- SHAYEGH, H. (1998), *A Description of Persian Adjuncts*, M.A. Thesis in Linguistics, Tehran: Allameh Tabatabai's University;
- WEKER, H. & L. HAEGEMAN (1989), *A Modern Course in English Syntax*, London: Routledge.

